

How can I forgive? Joseph and his brothers

من چگونه می توانم ببخشایم؟ یوسف و برادرانش

عیسی می فرماید: اگر کسی را که نسبت به شما گناهی مرتکب شده باشد را ببخشائید پدر آسمانی شما هم شما را می بخشد. اما اگر شما هم نبخشائید پدر هم شما را نمی بخشد.

من نمی دانم در مورد این گفته چه احساسی دارید اما مرا عمیقاً به چالش می کشد. ما می دانیم که در مورد گناهانمان به بخشش خداوند احتیاج داریم و می دانیم که ما این لیاقت بخشش را نداریم ولی ما باید سهم خودمان را برای دریافت این بخشش به کار گیریم. من میدانم که بسیاری از شماها در زندگی رنج کشیده اید و شاید تلاش هم کرده اید که ببخشائید.

برخی از شما خانواده، دوستان و یا موقعیت هایتان را از دست داده اید. بعضی ثروت و خانه تان را از دست داده اید. برخی مورد شکنجه قرار گرفته اید. بعضی دوستان و یا همسایگانی داشته اید که با شما روراست نبوده اند. عده ای به شما خیانت کرده اند و برخی بی عدالتی را تجربه کرده اید و در نتیجه شما زخم دیده و عصبانی هستید و این به راحتی باعث تلخکامی شما شده است. در این لحظه به عنوان یک فرد مسیحی با موقعیت دشواری روبرو می شویم که فرد یا سیستمی مقابل که این بدی (گناه) را به ما کرده، آیا چگونه می توان ببخشید؟

من نمی گویم که در زندگی با دشواری های بزرگی روبرو شده ام اما به این نتیجه رسیده ام، که این چالشی است بس بزرگ.

انسان هایی هستند که من می شناسم و از این ترس دارم که مرا دوباره برنجانند. به برخی نمی توانم اعتماد کنم زیرا آنها مرا به پایین می کشند و از برخی ها دوری می کنم. در مورد برخی ها مشکل است که بتوانم افکار خوبی داشته باشم، زیرا که نسبت به من افکار خوبی نداشته اند. پس من هم توسط عیسی به چالش کشیده شده ام تا که نگرشم را عوض کنم.

ما به زندگی مردی در انجیل نگاه خواهیم کرد کسی که برادرانش از او نفرت کردند و چیزی نمانده بود که او را به قتل برسانند و او را به عنوان برده به یک کشور بیگانه فروختند. اما او برادرانش را ببخشید. همه این واقعه در کتاب انجیل در (پیدایش) نوشته شده. امیدوارم که شما برای ترقیتان برای خواندن این بخش مایل باشید وگرنه لطفاً این چندین آیه را مرور کنید و خواهید فهمید که یوسف چه بی عدالتی بزرگی را تحمل گشته (پیدایش: 50و47و39و37).

برادران یوسف نسبت به هدیه الهی که او دریافت کرده بود حسادت ورزیدند و همچنین نسبت به رابطه خصوصی که او با پدرش یعقوب داشت. در زمانیکه او 17 ساله بود برادرانش از او کینه جوئی کردند، آنها او را به داخل چاهی انداختند و بعد او را به عنوان برده به بیگانگان فروختند و مرگش را به پدرشان گزارش کردند.

تا زمانیکه او 30 ساله شد و بعد از رنج و عذاب بسیار، با تعبیر خواب فرعون در نتیجه صاحب قدرت و اعتبار بسیار در مصر گشت.

او توسط برادرانش ربوده شده و به او خیانت شده بود. اگر کسی تحمل این کینه را داشت پس یوسف هم می داشت!!

واقعه با خشکسالی بزرگی در خاورمیانه شروع می شود تا اینکه برادران او برای جستجوی گندم به مصر سفر می کنند.

یوسف آن ها را می شناسد و دلش برای آنها می سوزد و به آنها گندم می دهد و در آخر او هم خودش را به آنها می شناساند و همه فامیلش را به مصر می آورند تا با او زندگی کنند.

در این هنگام او 50 ساله است و او حاضر است هر گونه گله و شکایت نسبت به برادرانش را فراموش کند، اما با مرگ پدرشان یعقوب، برادرانش می ترسند که یوسف خشم خود را نسبت به آنان نمایان سازد و انتقام گیرد.

ما نمی دانیم! اما اینگونه به نظر می رسد که یوسف نسبت به احساساتش در مقابل برادرانش مبارزه می کند با وجود گله و شکایت ها، موقعیت ها و ضعف ها این یک نکته مهم را روشن می سازد.

1. من می خواهم سعی کنم در زمان رنج و عذاب در رابطه باشم

این بسیار آسان است که ما خود را پس بکشیم و خود را حبس بکنیم در زمانیکه در عذاب هستیم. اما یوسف نشان داد که او برای گفتگو و مذاکره مصمم است. در هر زمانیکه برادرانش با او ملاقات میکردند او از این فرصت استفاده می کرد که با آنها صحبت کند و نیز به آنها هم گوش فرا دهد او کمک می کرد که آنها به آنچه کرده اند فکر کنند و روراست باشند. یوسف توجه بیشتری به پیشرفت روحانی آنها داشت تا به احساسات و عواطف خودش.

2. بخشیدن کسی می تواند شامل یک مرحله طولانی باشد

در بسیاری مواقع بخشیدن فردی آسان و زود هنگام نمی باشد، این چیزی است که به آگاهی و زمان احتیاج دارد، بخشودن یک فرد می تواند یک برنامه بلند مدت باشد. برای هر مشکل جدی بخشایش به شدت به تکامل می رسد، حتی در زمانیکه ما آن را انتخاب می کنیم، در واقع داستان یوسف بلکه او گریست زمانیکه با برادرانش روبرو شد در آیه 50 و در آخر بعد از زمانی بسیار طولانی انتظار او به تکامل رسید.

بخشودن کسی امکان دارد بسیار دردناک و مشکل باشد و بهترین کاری که ما در این مواقع می توانیم بکنیم این است که به خود بگوئیم من می خواهم ببخشایم و با کمک خداوند این را می توانم انجام دهم. این ایده خوبی نیست که بگوئیم مشکلی نیست، (فراموش کن). در زمانیکه مشکلی جدی اتفاق افتاده باشد، زیرا این برای مشکلی کوچک امکان پذیر است بلکه نه برای مشکلی بزرگ.

برادران یوسف قبل از مرگ پدرشان یعقوب نزد او آمدند و گفتند پدرشان امیدوار است که بعد از این همه بدی که آنها در حق یوسف کرده اند او آنها را ببخشاید.

در اینجا نشانی کم از تاسف شخصی است، یعنی نگرشی به اینکه به من گناهکار رحم کن وجود ندارد. این فقط یک اعتراف بود و در کتاب مقدس گزارشی که یعقوب چنین چیزی گفته باشد نیامده. این بیشتر اینگونه به نظر می رسد که یعقوب خود مستقیماً با یوسف سخن گفته باشد. شاید برادرانش داستان را ساخته و پرداخته کرده بودند، که پدرشان چنین گفته. اما به هر صورت یوسف برادرانش را بخشیده بود، این نقطه سوم را به روشنی بیان می کند.

3. بخشایش به اعتراف بستگی ندارد

این یک اشتباه آسان است. ما بعضی مواقع گونه ای با بخشایش برخورد می کنیم که گوئی باید اجری از آن ببریم و طرف مقابل باید فروتنی کافی داشته باشد یعنی تابع ما باشد (اگر بخشیدی بی منت ببخش)

اما اعتراف مانند واقعه ای است که بر علیه ما اتفاق افتاده است این عملی است از طرف شخصی، و ما آن را نمی توانیم کنترل کنیم. اما بخشایش چیزی است که عیسی مسیح به ما امر کرده که ان را انجام دهیم این عملی است که من انتخاب می کنم و بستگی به عکس العمل طرف مقابل و شخصی دیگر ندارد، این برای خوبی ما و خوبی دیگری است. این واقعیت زمانی آشکار می شود که اگر ما به کسی بدی کرده ایم او هم متقابلاً به ما بدی کرده باشد. اعتراف نکردن امکان دارد، ولی بخشودن واجب است، من فکر میکنم این نیز بستگی به این دارد که شما به خاطر دلبستگی به دین و ایماناتان متحمل درد و آزار نیز شده باشید. سیستم عوض نخواهد شد، زیرا که ، آنها فکر می کنند که درست عمل می کنند. عیسی مسیح ما را تشویق می کند به گونه ای به آنها بنگریم مانند گروهی که احتیاج دارند پیاموند که خداوند چگونه می بخشاید، این یک جواب ساده برای اینگونه سوالی می باشد. بسیاری از این موارد در مورد شخص به شخص دیگری است نه در مورد مشکلات فرهنگی و جامعه ای برادران. یوسف با او یکرنگ نبودند ولی او آنها را به هر صورت بخشید.

4. بخشایش نیاز به موافق بودن با روایت امر ندارد

این قاطعانه است، زیرا بحث کردن در مورد اینکه چه کسی چه چیزی می گفت چگونه بود و چگونه گفته شد مرحله لازم را آهسته می کند و نتیجه ای حاصل نمی گردد. یوسف به برادرانش نگفت که حالا بحث و جدال کنیم. بگذارید بفهمیم ما درباره چه چیزی صحبت می کنیم، او برادرانش را مجبور نکرد که گناهانشان را بازگوئی کنند و قبل از اینکه آنها را ببخشاید آنها را مجبور نکرد که در این 30 سال که او عذاب کشیده بود با او توافق داشته باشند، ضرورتی در آن نبود و بی نتیجه به نظر می رسید. یوسف انتخاب کرد که گذشته را کنار بگذارد و اکنون به برادرانش مسئولیت وار گونه می گوید (نترسید، آیا من جای خدا هستم) در اینجا است که عملی برای بخشودن شروع می شود.

5. بخشودن یعنی رها کردن، یا تمایل طبیعی من به تلافی کردن (انتقام)

یوسف دست به انتقام نمی زند، و سببی برای ترسیدن برادرانش از او نیست آنها سبب شدن که بیشتر جوانی او ربوده شود (از دست برود). بدهی مانده شده باید پرداخت شود، اما او اینکه این را به اثبات برساند را رد می کند. او در مقابل آنها از این (بدهی) استفاده نمی کند و این یک انتخاب است، اگر ما دست به انتقام بزنیم یا نه، شاید این اولین قدم مهم برای فرایند بخشش است. یا اینکه فرایندی است طبیعی (تو مرا زدی، من هم تو را می زنم) حساب را تصویه کردن، تا اینکه تو هم زجر بکشی همانقدر که من زجر می کشم.

به عنوان یک فرد مسیحی ما خوشبختیم، زیرا که ما ایمان داریم که خداوند حاکم کل است او همه چیز را می بیند، او همه چیز را می داند و او مسئول این است که همه چیز را رو کند. انتقام بدین معنی است که: خدا می گوید من پرداخت می کنم و باز پس می گیرم پس ما به دست خداوند باید بسپاریم

آیا هدف از بخشش فراموش کردن نیست؟ در انگلیسی ما مثالی داریم که می گوید: بخشش و فراموش کن. آیا شما هم در فارسی چنین مثالی دارید؟ شاید این ایده آل باشد، اما فراموش کردن را ما نمی توانیم انتخاب کنیم خداوند چنین قابلیت را به ما نداده، زخم های قدیمی ما همچنان می رنجاند حتی اگر ما بخواهیم ببخشائیم. پس به این نتیجه می رسیم که:

6. بخشیدن به معنی فراموش کردن نیست.

ما می توانیم کاغذها را با تمامی نوشته ها و خاطراتش بسوزانیم و از بین ببریم اما کنترل کمی نسبت به اینکه چه می خواهیم فراموش کنیم یا نکنیم داریم. هرچیزی در حافظه ما دردناکتر باشد فراموش کردنش هم سختتر به نظر می رسد. نتیجه بهتر این است که بکوشیم حافظه ای بهتر و سالم تر تربیت کنیم که به افکار بد (شیطانی) نیندیشید.

در کتاب امثال در کتاب مقدس مرد خردمند می گوید، شایعات دوستان نزدیک را از هم دور می کند، این برخلاف بخشش است. بخشش کمک می کند که اشخاص را دوباره نزد یکدیگر برگرداند ولی شایعه پراکنی برعکس این عمل می کند. شاید من قابلیت این را نداشته باشم که فراموش کنم، اما من می توانم انتخاب کنم که حادثه را مکررا برای دیگران تکرار نکنم.

7. بخشش بدین معنی است که از فکر کردن پی در پی به موضوع (حادثه) باز ایستیم

شاید واجب است که دردمان را با یک دوست نزدیک و قابل اعتماد در میان بگذاریم کسی که می خواهد ما را یاری کند و با ما دعا کند، اما ما می گوئیم که این حق ماست که موضوع را برای دیگران تکرار و بازگو کنیم اما من انتخاب کرده ام که این موضوع پیش من تمام شده باشد من می توانم این را به 3 گونه به انجام برسانم:

اول: به کسی که به من بدی کرده: من انتخاب می کنم که فکر لذت از انتقام را به سرم راه ندهم، من انتخاب می کنم موضوع را به کسانی که می شناسم مکررا بازگو نکنم. این شایعه پراکنی است، و می خواهم حق به جانب بودن خود را در نظر دیگران ثابت کنم. من از تکرار کردن آن به خود باز می ایستم من سعی میکنم که روی آن تمرکز نکنم من لیستی از انتقام نگه نمی دارم. کلمه بخشش به معنی این است که، من رها می کنم (رهائی). یهودیان گناهانشان را روی کاغذ می نوشتند و آن را به آب روانی می انداختند. این برای آنان به دور انداختن معنی می داد، اما بدین

معنی نیست که دردی وجود ندارد. ما می توانیم به این احساس ترسناک ادامه بدهیم و این می تواند ما را بیمار کند و می تواند تاثیر بسیار در عمل و افکار ما داشته باشد.

8. این بسیار مهم است که به یاد داشته باشیم که بخشش بیانیه ای نیست درباره احساس من به دیگری بلکه انتخابی از بیانیه من است، آغازی است برای رهبری سفر من در به تکامل رساندن بخشایش. این بیانیه ای است از نیت ما، به تکامل نرسیده اما این چیزی است که من نیت کرده ام این سمتی است که من می خواهم بپیامیم، این راه خداست این چیزی است که من باید انجام دهم به عنوان یک مسیحی.

یوسف ادامه می دهد، این نیت شما بود که مرا برنجانید (عذاب دهید) او در مورد حادثه بسیار شفاف است و نمی خواهد چگونگی امر را پنهان سازد اما او ناخوشایند نیست و او فقط نیتشان را برای آن اظهار می کند. او برای آنها جای بهانه نمی گذارد این یک بدی بود و آنها هم می دانستند جای معذرتی برای آنچه آنان کرده بودند نمانده بود.

9. عذر و بهانه تراشی برای برخورد، مانند بخشایش نیست

در واقع اگر برخورد قابل بهانه تراشی باشد، لزومی برای بخشش نیست. بخشش زمانی واجب است که برخورد شخص مقابل غیرموجه باشد. یعنی آن چیزی که توسط شخص مقابل اتفاق افتاده نباید اتفاق می افتاد. شاید در بعضی مواقع ما باید بگوئیم که ما درک می کنیم، من می دانم که تو منظوری نداشتی یا اینکه من میبینم که تو دچار استرس بودی و من تو را تحریک کردم این معذرت خواهی از دیگران شاید در شرایط محک بدرستی به نظر برسد اما بخشش زمانی شروع می شود که بهانه ای دیگر نمانده باشد. اما یوسف می گوید خداوند آن را (عذابش) به سمت خوبی برگرداند و این نقطه بعدی است

10. بخشش زمانی ساده تر است که ما به مراقبت خداوند اعتماد داشته باشیم. یوسف درس بسیار دشواری را آموخت. خدا بازی گردان شیطان نیست، و این بدان معنی نیست که برادران یوسف مسئولیت عملشان را نداشتند. اما این امکان دارد که بینم خداوند بدخواهی برادران یوسف را میبیند و این یکی از چیزهایی است که می تواند بخشش را ممکن سازد، گاهی اتفاق افتاده و امکان بخششی نیز هست. ما می دانیم که غالباً خداوند از اتفاق های بد به منظور خوب استفاده می کند و ما احتیاج داریم که این را همواره به یاد داشته باشیم. چیزهای بد تمام نمی شوند، آنها را می توان درست کرد. اگر ما به به صلیب کشیده شدن عیسی مسیح بنگریم به این نتیجه می رسیم ما با اعتماد می توانیم همه چیز را بدست خداوند بسپاریم او می تواند همه را به راستی تبدیل کند حتی بدی ها را.

اما درباره آینده چه؟

11. بخشش به معنی اعتماد دوباره نیست

بخشیدن کسی و دوباره اعتماد کردن بدان شخص دو مسئله متفاوت می باشد و این نیز باید در افکار ما از هم جدا باشد. غالباً انسان ها تمایلی برای بخشودن ندارند زیرا که فکر می کنند دوباره اجازه می دهند از طرف مقابل حادثه ای تکرار شود و می ترسند که دوباره از آنها سوء استفاده شود. ما احتیاج به اینکه به کسی دوباره اعتماد کنیم تا مورد سوءاستفاده قرار گیریم، نداریم. بخشیدن انتخابی است نسبت به نگرش شما به شخص مقابل. این چیزی است که شما قدرت کنترل آن را دارید. لازم است که شما مطمئن باشید که آیا به شخص مقابل می شود دوباره اعتماد کرد و یک لازمه درست است که شما می توانید قبول کنید که شخص مقابل عوض شده باشد قبل از اینکه شما به او اعتماد کنید.

12. شما لازم است که بدانید: قبل از اینکه دوباره اعتماد کنید چیزهایی عوض شده است

زمانیکه توبه کردن و اعتراف عمیقاً و بی ریا باشد، اعتماد و بخشش با هم به جلو می روند. ولی واجب نیست که همگام باشند یعنی (در آن هم ببخشیم و هم اعتماد کنیم) اعتماد چیزی است که برای نشان دادن خود به زمان احتیاج دارد. بخشش سمتی است که شما بیان می دارید، که قصد دارید به طرف آن بروید. یوسف به قلب مشکل می زند و به برادرانش می گوید که من برای

شما و فرزندان تان تدارکاتی دیده ام. این عمل او بیشتر نشانه برکت او نسبت به تلخکامیش می باشد.

13. بخشش به تکامل نمی انجامد تا زمانیکه عشق جایگزین خشم شود

در اینجا ما هدفمند هستیم، این قصد ماست که مانند سرورمان عیسی مسیح شویم. در آخر بخشیدن کسی تهیه لیستی منفی نیست. از انتقام و کینه جوئی صحبتی به میان نیاوریم از امری که واقع شده ذکری به میان نیاوریم. بخشیدن طرف مثبتی دارد. یوسف به برادرانش اطمینانی دوباره داد. او نگفت که من تلافی نمی کنم اما دیگر نزد من هم نیاید، بخشش او نیمه پیمانانه نبود. گریستن و اشک های یوسف نشان می دهد که در آخر خشم او به پایان رسیده در عوض او آرزوی موفقیت برای آن ها می کند، او همه چیزهای منفی را به کناری می گذارد تا بتواند رفع اختلاف بکند یک خواهر گرامی دانا که من می شناسم اشاره کرد به اینکه خداوند اینگونه با ما رفتار می کند. نه تنها این سرگذشت یوسف و برادرانش آموزه ای است که بدانیم چگونه عمل کنیم و ببخشاییم، بلکه همچنین مثال خوبی است که بدانیم خداوند ما را چگونه می بخشاید و بتوانیم کسانی را که نسبت به ما گناهی (خطائی) مرتکب شده باشند را ببخشائیم.

این برای من بسیار قابل استفاده بود که کمک کند تا بینم بخشایش را گام به گام و قدم به قدم در چند مرحله به اجرا برسانم.

اما ما احتیاج داریم که بفهمیم ما تنها نیستیم که سعی داریم دیگران را ببخشائیم. خداوند و عیسی مسیح با ما هستند و می خواهند به ما کمک کنند و ما را تشویق کنند و به ما قوت ببخشند که ما در مراحل زمانی، دیگران را واقعا ببخشائیم. آنها این را در راه های گوناگون به انجام رساندند و بودن با آنها ما را می بخشاید. این در واقع مهم ترین چیزی است که ما باید بفهمیم. بدین گونه است که آنها (خداوند و عیسی مسیح) به ما فرمان می دهند که ببخشائیم. یا ببیند که چه اتفاقی می افتد و ما چگونه عمل می کنیم. نه خداوند مهر و عشق اینگونه نیست نه. به فیض خدا ما تمامی نزد او و عیسی مسیح برمی گردیم و با اطمینان و ایمانمان بخشوده می شویم زیرا که ما دنباله رو عیسی مسیح هستیم. این است فرق مسیحیت با دیگر ادیان در دنیا. در دیگر ادیان ها انسان ها مجبورند به خدا چیزی تقدیم کنند مثل (قربانی) یا کاری برای تلافی کردن به انجام برسانند تا که به آن ها احسان شود. اما خداوند پدر و عیسی مسیح به طریق دیگری عمل می کنند. او اول بخشایش را هدیه می کند و بعد ما را پاک کرده و عادل می گرداند و او از ما برای ایمان به فیض خود دعوت می کند و می خواهد که هدیه او را بپذیریم و زندگیمان را بگذرانیم و بدانیم که هدیه بزرگ را دریافت کرده ایم. از ما خواسته شده است که زندگیمان را در محبت بزرگ خداوند بگذرانیم و ما هم به سهم خود پاسخگوی خواست خداوند باشیم و قسمتی از این پاسخگویی بخشش است، همینطور که ما بخشوده شده ایم.

به دقت به گفته پولس در نامه به افسسیان گوش فرا دهید (بخشید، همانگونه که بخشیده شده اید) این بسیار مهم است. خداوند از من می خواهد همانگونه که او مرا بخشیده است من هم دیگران را ببخشایم و خواسته شده که به وضع زندگیمان رسیدگی کنیم واقع بینانه به این هدیه بزرگ الهی بیندیشیم که او گناهان ما را می بخشاید، همه گناهانمان را زیرا خداوند به قدری مردم جهان را دوست دارد که یگانه فرزند خود را فرستاده است تا هر که به او ایمان آورد هلاک نشود بلکه زندگی جاوید بیابد. این چارچوبی است برای اینکه ما کوشش کنیم تا بتوانیم دیگران را ببخشاییم. ما باید به خاطر داشته باشیم که به ما امر شده تا که ببخشائیم و همچنین نزد خداوند نشان دهیم که برای بخشوده شدن ما توسط او بسیار سپاسگزاریم. در یک سو این نیز برای ما خوب است که کسی را که به ما بدی کرده را ببخشائیم. اما به عنوان یک فرد مسیحی خداوند از ما خواسته است که این را بفهمیم که بخشیدن یک روش خدایی است و ما باید او را عمیقا قدردانی کنیم زیرا او این را برای ما انجام داده است. وقتی ما تصمیم به بخشودن کسی میگیریم ما هم وارد مرحله ای می شویم که خداوند برای بخشودن ما در نظر داشت.

شاید هیچ عذر و بهانه ای برای گناهان ما، در مقابل خداوند وجود نداشته باشد. او به هر صورت بدون اینکه منتی بر ما بنهد گناهان ما را می بخشاید و ما نیز دعوت شده ایم برای بخشیدن کسانی که نسبت به ما بدی (گناه) ارتکاب شده اند گام برداریم.

اینگونه ما بهتر می توانیم بفهمیم که خداوند این پدر مقدس آسمانی چگونه گناهان ما را می بخشد. عیسی مسیح این را در مثالی در انجیل متی باب 18 آیه 35-21 روشن می سازد.

اکنون می خواهیم ماجرای دوستم آلن را برای شما تعریف کنم تا که باعث تشویق و دلگرمیتان شود. اگر او می تواند دیگری را ببخشد، شاید ما هم با چالش هایی رو به رو بشویم که باید حلشان کنیم.

آلن راننده کامیون بود، یک مسیحی که دنباله رو عیسی است. بعد از جنگ 30 سال پیش در منطقه بالکان در اروپا او با کامیون به جنگ زدگان کالا و تعذیه می رسانید و گاهی هم زن او کریستین با او همراهی می کرد. در سال 1993 آنها شهر ساریوو را ترک می کردند، مردی با اسلحه به کریستین شلیک کرده و او را می کشد. وقتی او به انگلیس برمی گردد خبر او در تلویزیون به عنوان خبر داغ پخش می شود. در فرودگاه او با خبرنگاران و گزارشگران تلویزیون روبرو می گردد. وقتی آنها مطلع می شوند که او مسیحی است یکی از آنها از او می پرسد که آیا فردی را که به زنش شلیک کرده است را می ببخشد؟ این یک سوال سخت و مبهم برای او در آن لحظه بود، زیرا فقط چند روزی بود که زنش به قتل رسیده بود. اما پاسخ آلن برای ما الگویی است که او چگونه عکس العمل نشان داد. به عنوان یک فرد مسیحی او گفت: به این معتقدم که این وظیفه من است و با کمک خداوند او را خواهیم بخشید. این بیانیه قابل توجهی است و مشمول این است که من فکر می کنم این مرکز طرز فکر ماست که ما باید چگونه شروع کنیم تا که بتوانیم دیگران را نیز ببخشاییم.

من آلن را خوب می شناختم در یک سو او هیچ وقت از این مصیبت بیانی به میان نمی آورد، و او عذاب این استرس را تا همین یک سال پیش که درگذشت با خود کشید، اما هیچوقت اجازه نمی داد که تلخکامی و خشم بر او غلبه کند. او همیشه در ایمان خود به خداوند باقی ماند حتی با وجود اهانت، مصیبت و از دست دادنش. او سبب الهام افرادی شد که با او ملاقات می کردند، ما نوشته های درباره تجربه او و مهم بودن بخشیدن دیگران به تحریر درآوردیم. از او دعوت شد که برای بسیاری از کلیساها و گردهمائی ها سخنرانی کند، حتی او بعد از جنگ بالکان هم با کامیونش به رانندگی ادامه داد. او برای جمع کردن پول برای صدقه در جاهای مختلف و حتی بعضی نقاط در دنیا نیز مشغول بود.

او درسی بود برای من که چگونه دیگران را ببخشایم و برای سایرین نیز، او اعتقاد داشت که این یک قسمت از زندگی اوست که خود را برای زندگی در پادشاهی خداوند آماده می سازد. او اعتقاد داشت که بخشودن برای او واجب است همانگونه که خودش بخشوده شده است زیرا او اینگونه بیشتر به عیسی مسیح شباهت پیدا می کند. من فکر می کنم این نقطه اشاره ای است که ما مورد هدفمان قرار دهیم، عیسی مسیح نجات دهنده ماست و استاد ماست و او پسر خداوند است.

و ما به این می اندیشیم که دشمنان او با او چگونه رفتار کردند و اینکه دوستانش چگونه او را ترک کردند. بیشتر کسانی که او را شنیدند او را نفهمیدند، با اینحال که او را می کشتند او فرمود: پدر آنها را ببخش.

همانگونه که ما با چالش ها در عملمان برای بخشیدن هستیم ما احتیاج داریم که عیسی مسیح را پیوسته در افکارمان داشته باشیم، و به یاد داشته باشیم که او به ما قول داده است که با ما باشد و در تمامی چالش های زندگیمان یاریمان کند.

بدینگونه من دعا می کنم که خداوند در تمامی چالش هایی که در زندگیتان روبه رو می شوید کمکتان کند تا بتوانید آنانی را که باعث رنجستان شده اند را ببخشایید.

بیانیه تدارک دیده و نوشته شده: توسط استیفان گریتون

ترجمه: بهمن پناهی